

طرح شاخص بهای تولیدکننده در ایران

□ مقدمه

شاخص‌های قیمت نظیر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (Consumer Price Index-CPI) و شاخص بهای تولیدکننده (Producer Price Index-PPI) برای مصرف خانوار، داده‌ها و ستانده‌های تولیدکننده و تجارت خارجی از نماگرهای حساس برای نشان‌دادن سلامت و پیشرفت اقتصاد می‌باشد و از جهت چگونگی انجام و ارزیابی سیاست‌های پولی و مالی مورد توجه بسیار می‌باشد. این سری از شاخص‌های قیمت نه تنها بعنوان یک نماگر اقتصادی مورد مصرف قرار می‌گیرند بلکه بعنوان یک deflator جهت بدست آوردن آمارهای اقتصادی کلان نظیر سری‌های مقداری از داده‌های قیمتهای جاری حسابهای ملی بکار برده می‌شود. چنین شاخصهائی در اکثر کشورها، خصوصاً کشورهای پیشرفته تهیه می‌شود و مورد استفاده و توجه سازمانهای بین‌المللی آماری نیز می‌باشد.

متدلوژی محاسبه و کلیاتی راجع به شاخص بهای تولیدکننده (PPI)

□ تاریخچه

در بیشتر کشورهای پیشرفته جهان در سالهای قبل، شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها (Wholesale Price Index-WPI) که یکی از قدیمی‌ترین سریهای زمانی اقتصادی می‌باشد، تهیه می‌گردید. در ابتدا این شاخص با هدف اندازه‌گیری تغییرات قیمت‌های کالاهائی که در بازارهای اولیه مبادله می‌گردیده‌است، تهیه می‌شد. چارچوب مفهومی و تئوری‌های اقتصادی باعث تکامل این شاخص شد. تهیه این شاخص بر این موضوع متمرکز گردیده‌است که قیمت‌های دریافتی بوسیله تولیدکننده داخلی یا واردکننده و یا صادرکننده در اولین مبادله تجاری اندازه‌گیری کند. بسیاری از حلاءهای عملی و عدم هماهنگی‌ها و دیگر ضعف‌ها در برنامه مربوط به قیمت‌ها در صنایع، به‌علاوه توسعه تئوری شاخص‌های قیمت در بازارهای قبل از خرده‌فروشی، تغییرات زیادی در تعاریف و محاسبه این شاخص پدید آورد و باعث شد که شاخص دیگری تحت عنوان شاخص بهای تولیدکننده (PPI) جانشین شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها (WPI) شود. فرق کلی بین شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها و شاخص بهای تولیدکننده را بصورت زیر می‌توان عنوان نمود:

شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها در مفهوم عادی، به قیمت‌ها و کالاهائی که در بازار مورد دادوستد قرار می‌گیرند اطلاق می‌گردد. قیمت‌های عمده‌فروشی قیمت‌هایی است که به عمده‌فروش و یا دیگر توزیع‌کننده‌ها فروخته می‌شود. معنی قیمت‌های تولیدکننده به قیمت‌هایی گفته می‌شود که خریدار در ازای خرید کالا به تولیدکننده می‌پردازد و به معنی قیمت‌هایی که به عمده‌فروش بوسیله خرده‌فروش و یا دیگر زنجیره‌های توزیع پرداخت می‌گردد، نمی‌باشد. قیمت‌های تولیدکننده تغییرات فروش تمام کالاها و خدمات تولیدشده به عمده‌فروشان، خرده‌فروشان داخلی و دیگر صنایع و یا صادرشده به کشورهای خارجی را منعکس می‌کند.

یکی از دلایل تغییر محاسبات شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها به شاخص بهای تولیدکننده این است که شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها دارای عیب اساسی چند بار بحساب آوردن تغییرات

قیمت می‌باشد چراکه در بسیاری از گروه‌ها، تغییرات قیمت کالاها در مراحل مختلف عمل مورد محاسبه قرار می‌گیرد. برای نشان دادن "چند بار بحساب آوردن" هزینه‌ای، فرض می‌کنیم قیمت پنبه به شدت افزایش می‌یابد، از شروع تولید پنبه تا تولید پیراهن حدود پنج مرحله از قبیل ریسندگی نخ در مراحل مختلف کارخانه‌ای، طی می‌گردد. یک افزایش قیمت در مواد اولیه تولید پنبه پنج بار در شاخص کل و چهار بار در گروه‌های کالاهای صنعتی و گروه‌های اصلی شاخص و بخش ریسندگی، منعکس می‌گردد. اگر تغییرات قیمت در مراحل مختلف عمل تقریباً یکسان باشد، این چند بار محاسبه شدن، در شاخص انحراف زیادی ایجاد نمی‌نماید. ولی اگر قیمت‌ها در مراحل مختلف تغییرات یکسانی نداشته باشد (که معمولاً چنین اتفاق می‌افتد)، این چند بار بحساب آوردن می‌تواند با توجه به وزنهای مختلف در تعیین شاخص‌های مختلف ایجاد اشکال نماید. شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها، تولیدات مختلفی را که در مراحل مختلف تولید می‌باشد با هم مخلوط می‌کند و وقتی این تولیدات در یک مجموعه قرار می‌گیرند مفهوم اقتصادی روشنی را بیان نمی‌دارند. بطور مثال مواد اولیه ممکن است با مواد واسطه و یا حتی تولیدات در مرحله نهائی مخلوط گردد.

در محاسبات مربوط به شاخص بهای تولیدکننده سعی می‌شود کالاها به مراحل مختلف عمل (مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و کالاهای ساخته شده) و در بخشهای مختلف اقتصادی تقسیم گردند و شاخصها در بخشهای مختلف و بطور جداگانه مورد محاسبه قرار گیرند. شاخص کل بهای تولیدکننده از ترکیب تغییرات قیمت کالاها در بخشهای مختلف بدست می‌آید. این شاخص کل ممکن است بعنوان یک نماگر گمراه کننده در اقتصاد کلان باشد چراکه شاخص کل نیز مسئله چند بار بحساب آوردن وزنها و قیمت‌ها را دارد. هرچند در برخی از کشورها نتایج شاخص کل نیز منتشر می‌گردد.

بسیاری از بخشهای مختلف صنایع در مؤسسات کوچک، که کالاها مستقیماً توسط تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان نهائی فروخته می‌شود، نظیر تولید نان، مبلمان، پوشاک، کفش و... مورد پوشش در شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها نمی‌باشد. حال آنکه در شاخص بهای تولیدکننده که کل فعالیتهای اقتصادی کشور را پوشش می‌دهد این قبیل از کالاها نقش مهمی دارند. قیمت کالاهای وارداتی که یکی از بخشهای مهم شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها است در شاخص بهای تولیدکننده

مطرح نمی‌باشد. از بخشهای مهم اقتصاد، بخش خدمات نظیر گاز، الکتریسیته، آب، ارتباطات و... در شاخص بهای تولیدکننده مطرح می‌باشد ولی در شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها مدنظر قرار نمی‌گیرد.

□ انواع شاخص بهای تولیدکننده

شاخص بهای تولیدکننده معمولاً به دو روش محاسبه می‌گردد:

۱ - شاخص بهای تولیدکننده با استفاده از "قیمت تولیدکننده" (Producer's Price)؛ و

۲ - شاخص بهای تولیدکننده با استفاده از "قیمت پایه‌ای" (Basic Price).

در محاسبه شاخص بهای تولیدکننده با استفاده از "قیمت تولیدکننده"، قیمت‌ها شامل مالیاتهایی که به تولیدات اضافه می‌شود، می‌باشد و یارانه‌های دریافتی بوسیله تولیدکننده را شامل نمی‌گردد. در شاخص بهای تولیدکننده، با استفاده از "قیمت پایه‌ای" مالیاتهایی که به تولیدات اختصاص می‌یابد را شامل نمی‌گردد و یارانه‌های دریافتی بوسیله تولیدکننده را شامل می‌گردد. شاخص قیمت تولیدکننده براساس "قیمت تولیدکننده" می‌تواند بعنوان معیاری جهت نشان‌دادن تورم از دیدگاه خریدار مورد استفاده قرار گیرد حال آنکه شاخص قیمت تولیدکننده براساس "قیمت پایه‌ای" این تورم را از دیدگاه تولیدکننده منعکس می‌کند. در بخشهای مختلف تجاری بیشتر علاقمندی به روند قیمت‌ها که شامل مالیات می‌باشد، وجود دارد و در نتیجه شاخص بهای تولیدکننده با "قیمت تولیدکننده" مورد توجه می‌باشد. بعنوان یک deflator هر دو شاخص بهای تولیدکننده به روش قیمت تولیدکننده و یا روش قیمت پایه‌ای می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و این بستگی به مورد دارد.

□ موارد استفاده شاخص بهای تولیدکننده

شاخص بهای تولیدکننده، روند تغییرات قیمت‌ها را از دیدگاه تولیدکننده و خریدار در بخشهای مختلف اقتصادی مانند کشاورزی، صنعت، معدن، خدمات و... نشان می‌دهد. این شاخص می‌تواند بعنوان یک نماگر پیش‌نگر (Leading Indicator) برای نشان‌دادن زود هنگام روند

تورمی بکار برده شود. بطور مثال قیمت کود شیمیائی ممکن است قبل از قیمت تولیدات کشاورزی افزایش یابد و یا افزایش قیمت نفت خام ممکن است قبل از افزایش قیمت سوختهای مصرفی برای حمل و نقل مصرف‌کننده، صورت گیرد. بعلاوه این شاخص بعنوان نماگری از تغییرات وضع اقتصادی کاربرد فراوان دارد. شاخص مزبور منعکس‌کننده سطح عمومی قیمتها در سطح تولیدکنندگان می‌باشد. یکی از موارد استفاده مهم شاخص بهای تولیدکننده بکاربردن آن بعنوان یک deflator در بخشهای مختلف در محاسبات حسابهای ملی می‌باشد.

□ موارد استفاده شاخص‌های قیمت در بدست‌آوردن قیمت ثابت در تولید ناخالص ملی

استفاده از شاخص‌های قیمت جهت بدست‌آوردن برآوردی از قیمت ثابت در تولید ناخالص ملی دارای اهمیت زیادی می‌باشد. راهنمای استفاده از شاخص‌های قیمت در حسابهای ملی در نشریه‌ای که بوسیله سازمان ملل در اواخر دهه ۱۹۷۰ منتشر شده است^(۱) درج گردیده است. این مرجع در حال حاضر در فصل شانزدهم طبقه‌بندی بین‌المللی محاسبات ملی در سال ۱۹۹۳ بهنگام شده است. روشهای مختلف deflator کردن از جمله:

۱- روش Double Deflation و

۲- روش Single Deflation

با استفاده از شاخص بهای تولیدکننده و با توجه به داده‌های موجود، مورد توجه می‌باشد.

در محاسبه تولید ناخالص ملی، deflator می‌توانند با استفاده از هزینه‌های جاری در مجموع و در قیمت‌ها، در جزء و براساس شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و بخشی براساس شاخص بهای تولیدکننده مورد استفاده قرار گیرند. الگوی پیشنهادی استفاده از این دو شاخص برای deflate کردن حسابهای هزینه‌ای چنین است که شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی یک deflator برای قیمت‌های جاری مصارف خانوار و قسمتهائی از دیگر مجموعه‌ها، شامل مصارف

1- United Nations Statistical Office, Guidelines on Principles of a System of Price and Quantity Statistics, Statistical Paper Series M, No. 59, 1977.

دولتی، سرمایه‌گذاری و ساختمان بکار برده می‌شود و شاخص بهای تولیدکننده بعنوان یک deflator در بخشی از مجموعه هزینه‌ها نظیر کالاهای صادراتی، خدمات تجاری و مؤلفه‌های سرمایه‌گذاری ثابت، مصارف دولتی، بخش ساختمان و تولیدات لوازم بادوام مورد استفاده قرار می‌گیرد. قابل ذکر است که برای مؤلفه‌های هزینه‌های نهائی معمولاً از شاخص بهای تولیدکننده بعنوان یک deflator استفاده می‌شود و شاخص‌ها باید براساس شاخص قیمت تولیدکننده (و یا خریدار) نیز همراه با قیمت پایه‌ای (Basic Price) مورد استفاده قرار گیرد.

شاخص کل بهای تولیدکننده اصولاً برای deflate کردن ستانده‌های ناخالص و یا ارزش افزوده صنایع در کل مورد نیاز می‌باشد. ولی شاخص قیمت‌های مختلف برای ستانده‌های انواع تولیدات صنایع و یا کالاهای تولیدی خاص و همچنین برای مصارف واسطه‌ای صنایع نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. انتخاب اقلام جهت قیمت‌گیری در این شاخص که شامل کالاها و خدمات می‌باشد، قسمتی بستگی به ارتباط آن با مصارف خصوصی و دولتی، شکل‌بندی سرمایه‌ای و تجارت خارجی دارد.

□ نحوه محاسبه شاخص فعلی بهای تولیدکننده در ایران بر پایه ۱۰۰=۱۳۶۹ و چگونگی تغییر سال پایه بر مبنای ۱۰۰=۱۳۷۶

شاخص فعلی بهای تولیدکننده در ایران با استفاده از قیمت تولیدکننده (Producer's Price) که شامل مالیاتها می‌باشد و یارانه‌ها را شامل نمی‌گردد، تهیه می‌شود.^(۱) مراحل مختلف محاسبه این شاخص در بندهای بعدی بتفصیل توضیح داده شده‌است. در شاخص آینده نیز کلیات طرح شبیه طرح فعلی است و هرکجا تغییراتی لازم بنظر می‌رسید، توضیح کافی داده شده‌است.

۱- در تجدید نظر آینده که سال پایه شاخصهای اقتصادی از سال ۱۳۶۹ به سال ۱۳۷۶ تغییر خواهد یافت، شاخص بهای تولیدکننده براساس قیمت پایه‌ای که مالیاتها را شامل نمی‌شود و یارانه‌های دریافتی بوسیله تولیدکنندگان را شامل می‌گردد، نیز محاسبه خواهد شد. البته در بین انبوه کالاها و خدمات مشمول این شاخص، تعداد کالاهائی که شامل مالیاتهای گوناگون است و یا یارانه به آنها توسط دولت به تولیدکنندگان پرداخت می‌شود، بسیار محدود است. بنابراین اساس محاسبات کلی هر دو شاخص یکسان می‌باشد.

□ جامعیت بررسی

شاخص فعلی بهای تولیدکننده در ایران تقریباً تغییرات قیمت کلیه فعالیتهای اقتصادی در کشور در بخشهای مختلف از جمله بخشهای کشاورزی، معدن، صنعت، خدمات و... را پوشش می‌دهد. در بخش کشاورزی، شکار و جنگلداری ۸۲ کالا که از مهمترین اقلام این بخش می‌باشند در ۵ گروه فرعی قرار گرفته‌اند که قیمت آنها از نزدیکترین محل تولید این نوع محصولات جمع‌آوری می‌شود. کالاهائی که در این بخش انتخاب شده‌است عموماً تولیدات آنها در مقایسه با کالاهای انتخابی بسیار کم است که هم امکان بدست آوردن میزان حجم تولیدات آنها و هم جمع‌آوری قیمت آنها بطور مستمر در طول سال وجود نداشته‌است. بیش از ۹۵ درصد حجم تولیدات این بخش را حجم تولید کالاهای انتخاب شده تشکیل می‌دهد. در بخش صنعت حجم تولید کلیه صنایع که کارکنان آنها بیشتر از ۵۰ نفر می‌باشد و تقریباً کلیه صنایع که کارکنان آنها بیشتر از ۱۰ نفر بوده‌است، در این شاخص مدنظر قرار گرفته و رویهم ۲۹۷ کالا که از نظر تولید بالاترین حجم را در سال ۱۳۶۹ داشته‌اند، انتخاب و تغییرات آنها در این شاخص ملحوظ شده‌است. چون امکان دسترسی به تولیدات کارگاه‌هائی که تعداد کارکنان آنها از ۱۰ نفر کمتر بوده‌اند، وجود نداشته‌است، این کالاها در این شاخص منظور نشده‌است. در بخش خدمات، کلیه خدماتی که در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی مورد بررسی قرار می‌گیرند به‌لاوه تعداد قابل توجهی خدمات جدید که امکان دسترسی به ارزش خدمات عرضه‌شده آنها در کل اقتصاد کشور در سال ۱۳۶۹ مقدور بوده‌است، در این شاخص منظور شده و تغییرات قیمت آنها در زمانهای مختلف محاسبه گشته‌است. در این بخش روی هم ۵۶ خدمت انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌است.

□ سال پایه شاخص

برای هماهنگی با دیگر شاخصهای قیمت، سال پایه شاخص بهای تولیدکننده در ایران سال ۱۳۶۹ در نظر گرفته‌شد.

□ طبقه‌بندی کالاها

طبقه‌بندی کالاها در شاخص بهای تولیدکننده در ایران براساس ویرایش سوم "طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی کلیه رشته‌های فعالیتهای اقتصادی":

(Third Revision of International Standard Industrial Classification of All Economic Activities-ISIC)

می‌باشد. طبق این طبقه‌بندی کالاهای مشمول این شاخص در ده گروه اصلی به شرحی که در زیر آمده‌است، طبقه‌بندی گردیده‌اند. لازم به توضیح می‌باشد این طبقه‌بندی شامل گروههای بیشتری بخصوص در بخش خدمات می‌باشد که در ایران در حال حاضر امکان جمع‌آوری قیمت و تهیه شاخص آنها وجود ندارد. در تجدید نظر بعدی که در سال ۱۳۷۶ انجام می‌پذیرد تلاش می‌شود که این گروه‌بندی پوشش بیشتری یابد. قابل ذکر است که حتی در بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز امکان دستیابی به داده‌های مربوط به خدمات محدود می‌باشد و در این شاخص منظور نمی‌گردد. ده گروه اصلی شاخص فعلی به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱ - کشاورزی، شکار و جنگلداری
- ۲ - استخراج معدن
- ۳ - ساخت (صنعت)
- ۴ - تأمین برق، گاز و آب
- ۵ - هتل و رستوران
- ۶ - حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات
- ۷ - واسطه‌گریهای مالی
- ۸ - مستغلات، اجاره و فعالیتهای کار و کسب
- ۹ - آموزش
- ۱۰ - بهداشت و مددکاری اجتماعی

□ انتخاب کالاها و خدمات مشمول شاخص فعلی و تجدید نظر سال ۱۳۷۶*

درانتخاب کالاها و خدمات، بمنظور تهیه شاخص بهای تولیدکننده در ایران برپایه

۱۰۰=۱۳۶۹، عوامل ذیل مورد نظر قرار گرفت:

- ۱ - اهمیت نسبی هر کالا و یا خدمت در مجموعه کالاها و خدمات موجود و تولیدشده در کشور در سال ۱۳۶۹ (نسبت ارزش تولید و یا ارزش فروش یک کالا و یا خدمت به ارزش تولید و یا فروش مجموعه کالاها و خدمات در سال ۱۳۶۹).
- ۲ - اهمیت نسبی تولید هر کالا و یا خدمت در هر یک از ده گروه اصلی.
- ۳ - امکان جمع آوری قیمت کالا و یا خدمت در بیشتر ماههای سال.
- ۴ - موارد استفاده شاخص فردی یک کالا و یا یک خدمت به علت اهمیت استراتژیکی آن.

با توجه به عوامل فوق، نظر به اینکه تعداد قابل توجهی از کالاها و خدمات مشمول شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها و همچنین شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در شاخص بهای تولیدکننده با استفاده از قیمت‌های تولیدکننده کاربرد مستقیم دارد، از این کالاها و خدمات در انتخاب کالاها و خدمات مشمول این شاخص عملاً استفاده گردیده است. در تجدید نظر آینده که سال پایه شاخص‌های قیمت از سال ۱۳۶۹ به سال ۱۳۷۶ تغییر می‌یابد، همین شیوه مورد عمل قرار می‌گیرد و تا آنجائی که امکان دارد به منظور جلوگیری از دوباره کاری، کالاها و خدماتی که در هر دو شاخص مزبور از اقلام مشمول شاخص‌ها می‌باشند، از تغییرات قیمت آنها نیز در شاخص بهای تولیدکننده استفاده بعمل خواهد آمد. منتها در هر دو شاخص نامبرده در بالا فقط قسمتی از حجم تولید و یا عرضه کالاها و خدمات ملاک تعیین ضرائب اهمیت کالاها و خدمات مشمول شاخص‌ها قرار می‌گیرد ولی در شاخص بهای تولیدکننده کل فروش و یا عرضه کالاها و خدمات، در سطح کشور

* اقلام مشمول شاخص بهای تولیدکننده در ایران بر پایه سال ۱۳۷۶ پس از آمادشدن چارچوبهای لازم تقریباً براساس عوامل یادشده، انتخاب خواهدگردید.

(شهر و روستا روبهم) ملاک تعیین ضرائب اهمیت کالاها و خدمات مشمول شاخص بهای تولیدکننده قرار خواهد گرفت.

برای انتخاب کالاهای مشمول گروه "کشاورزی، شکار و جنگلداری" چون تعاریف هر دو شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها و شاخص بهای تولیدکننده یکسان است، تقریباً کلیه کالاهای انتخابی در شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها با تعدیلاتی (در مورد ضرائب اهمیت اقلام که باید مربوط به کل کشور باشد) در این گروه از کالاها برای شاخص بهای تولیدکننده نیز انتخاب می‌گردد. در مورد محصولات کشاورزی، در هر دو شاخص، قیمت‌های سرخرمن مورد بررسی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۶ و همچنین سال ۱۳۷۷ که در سه نوبت توسط واحدهای آماری جمع‌آوری می‌شود، در تجدید نظر آینده در هر دو شاخص مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در شاخص فعلی بهای عمده‌فروشی کالاها و همچنین شاخص فعلی بهای تولیدکننده برای این محصولات قیمت فروش عمده‌فروشان به خرده‌فروشان ملاک محاسبات هر دو شاخص قرار می‌گیرند که در تجدید نظر آینده به طریق نامبرده (قیمت‌های سرخرمن) در بالا اصلاح خواهد گردید.

در مورد محصولات صنعتی چون در هر دو شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها و شاخص بهای تولیدکننده قیمت‌های درب کارخانه‌های تولیدی (EX-Factory Price) با در نظر گرفتن مالیات و بدون ملحوظ نمودن یارانه مد نظر بوده است، تقریباً کلیه کالاهای انتخابی در شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها برای این شاخص نیز در نظر گرفته شد. منتها همانطور که در مورد محصولات کشاورزی عمل گردید آن قسمت از حجم تولید کالا که بدلائل مختلف وارد بازارهای عمده‌فروشی نشده است و یا به علت اینکه کالاها از تولیدکنندگان مستقیماً به مصرف‌کنندگان فروخته می‌شود و بنابراین بازار عمده‌فروشی نداشته است و در شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها منظور نمی‌گردید، در شاخص بهای تولیدکننده مدنظر قرار گرفته است. بطور مثال انواع کفش‌های دست‌دوز، تعداد زیادی از اقلام موجود در گروه پوشاک و یا مبلمان و تزئینات و... مشمول اقلام موجود در شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها نمی‌باشند ولی در شاخص بهای تولیدکننده در بخش صنعت این اقلام مدنظر قرار گرفته و یا می‌گیرند.

در هفت بخش دیگر که بیشتر اقلام مشمول شاخص را بخش خدمات تشکیل می‌دهد، برخلاف شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که خدمات مورد مصرف خانوارها را در مناطق شهری کشور مدنظر قرار داده است در شاخص بهای تولیدکننده کل خدمات عرضه شده در اقتصاد شهری و روستائی کشور مشمول این شاخص قرار گرفته‌است. بطور مثال در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی فقط برق مورد مصرف خانوارها در مناطق شهری کشور در شاخص منظور شده‌است، حال آنکه در شاخص بهای تولیدکننده ضمن آنکه این نوع برق مورد مصرف خانوارهای شهری و روستائی در شاخص منظور شده‌است، برق مصارف تجاری، مصارف صنعتی، مصارف کشاورزی و مصارف عمومی در سطح کل کشور، از اقلام مشمول شاخص بهای تولیدکننده می‌باشند. در این بخش در تجدید نظر آینده تلاش می‌شود، خدمات بیشتری مشمول اقلام مورد قیمت‌گیری این شاخص قرار گیرد.

با توجه به مطالب فوق در مجموع برای تهیه شاخص بهای تولیدکننده در ایران در سال ۱۳۶۹ در ده گروه اصلی نامبرده در بالا ۴۴۱ قلم کالا و خدمت انتخاب گردید. این تعداد قلم کالا و خدمت ۱۱۵ قلم بیشتر از ۳۲۶ قلم کالاهای موجود در شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها در گروه کالاهای تولید و مصرف شده در کشور و کالاهای صادراتی^(۱) و ۱۲۸ قلم بیشتر از مجموع کالاها و خدمات موجود در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی است. با در نظر گرفتن این مطلب که ضریب هر قلم کالا و خدمت انتخابی در این شاخص مربوط به کل مناطق شهری و روستائی می‌باشد.

□ ضریب اهمیت کالاها و خدمات مشمول شاخص

ضریب اهمیت یک کالا و یا خدمت عبارت از ارزش تولید و یا فروش یک کالا و یا خدمت نسبت به ارزش کل تولید یا فروش کالاها در کل اقتصاد شهری و روستائی کشور می‌باشد. در شاخص فعلی و همچنین شاخص آینده ارزش مقادیر اقلامی که در این شاخص با شاخص بهای عمده‌فروشی

۱- مجسوعه کالاهای موجود در شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها ۴۳۲ قلم می‌باشد که ۱۰۶ قلم آن کالاهای وارد شده به کشور می‌باشد که مشمول اقلام موجود در شاخص بهای تولیدکننده نمی‌باشند.

کالاها کاملاً مطابقت دارد و مربوط به کل اقتصاد کشور می‌باشد، عیناً مورد استفاده قرار گرفته و یا می‌گیرد. ارزش مقادیر آن قسمت از کالاها که به علت خود مصرفی مورد استفاده تولیدکنندگان (در بخش کشاورزی) می‌باشد در صورت داشتن اطلاعات صحیح، در محاسبات این شاخص به حساب نمی‌آید. در مورد خدمات و یا تعدادی از کالاهائی که مستقیماً از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان نهائی فروخته می‌شود، ارزش مقادیر مربوط به آنها در سطح کل کشور (مصرف خانوارهای شهری، مصرف خانوارهای روستائی و سایر مصرف‌کنندگان) نیز برای محاسبه ضرائب اهمیت این اقلام در نظر گرفته می‌شود. ضریب اهمیت هر گروه نیز از حاصل جمع ضرائب اهمیت اقلام انتخابی موجود در آن گروه بدست آمده‌است.

□ نحوه جمع‌آوری قیمت‌ها

کالاها و خدماتی که بطور مشترک در شاخص بهای تولیدکننده و دو شاخص قیمت دیگر (شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی) وجود دارند، مورد قیمت‌گیری مجدد قرار نمی‌گیرند و مستقیماً از تغییرات قیمت آنها در سطح کل کشور در شاخص بهای تولیدکننده استفاده می‌شود. اما قیمت آن دسته از کالاها و خدمات که در شاخص بهای تولیدکننده وجود دارد و در دو شاخص قیمت دیگر برای قیمت‌گیری انتخاب نشده‌است، در تجدید نظر آینده پس از انتخاب کالاها و خدمات مشمول شاخص نسبت به قیمت‌گیری از آنها در شهرهای مورد بررسی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اقدام خواهد شد که این کار پس از انتخاب نهائی کالاها و خدمات مشمول شاخص تحقق خواهد یافت. بنابراین ضروری است برای این دسته از کالاها و خدمات که در دو شاخص فوق‌الذکر مورد محاسبه در اداره آمار اقتصادی قیمت‌گیری نمی‌شوند دفاتر قیمت‌گذاری جداگانه‌ای در هریک از شهرها تهیه و طبق روال معمول که برای شاخص بهای عمده‌فروشی انجام می‌گیرد، به قیمت‌گیری از آنها اقدام گردد. تعداد زیادی از کالاها و خدمات که توسط مؤسسات و ارگانهای مختلف تهیه و تعیین قیمت می‌گردد و معمولاً سالی یک یا دو بار قیمت آنها تغییر پیدا می‌کند، احتیاجی به مراجعه به آنها در هر ماه نیست و می‌توان قیمت این قبیل از کالاها

و خدمات را با مکاتبه همانطور که در مورد شاخص فعلی بهای تولیدکننده انجام می‌گیرد، جمع‌آوری و تغییرات قیمت آنها را در شاخص تولیدکننده ملحوظ نمود.

□ فرمول محاسبه شاخص

مانند دیگر شاخص‌های قیمت برای محاسبه شاخص بهای تولیدکننده از شاخص حسابی موزون قیمت‌های نسبی با توجه به فرمول:

$$I_{n/o} = \frac{\sum_{i=1}^k P_0^{(i)} Q_0^{(i)} [P_n^{(i)} / P_0^{(i)}]}{\sum_{i=1}^k P_0^{(i)} Q_0^{(i)}} \cdot 100$$

استفاده می‌گردد که فرمول لاسپیرز نامیده می‌شود. در این فرمول k تعداد کالاها و خدمات منتخب، (i) نماینده کالای مورد بررسی، $P_0^{(i)}$ و $Q_0^{(i)}$ به ترتیب متوسط قیمت و مقدار تولید کالای نام در سطح کشور در سال پایه و $P_n^{(i)}$ قیمت کالای نام در سطح کشور در زمان n (زمان مورد بررسی) می‌باشد. در عمل به منظور سهولت در محاسبه شاخص از فرمول تغییر شکل یافته لاسپیرز که از نظر ریاضی با فرمول فوق برابر است استفاده می‌شود.

$$I_{n/o} = \frac{\sum_{i=1}^k P_0^{(i)} Q_0^{(i)} [P_{n-1}^{(i)} / P_0^{(i)}] [P_n^{(i)} / P_{n-1}^{(i)}]}{\sum_{i=1}^k P_0^{(i)} Q_0^{(i)}} \cdot 100$$

در این فرمول عبارت $[P_{n-1}^{(i)} / P_0^{(i)}] [P_n^{(i)} / P_{n-1}^{(i)}]$ برای ماه $(n-1)$ ام محاسبه شده است. با محاسبه کردن $P_n^{(i)} / P_{n-1}^{(i)}$ به آسانی شاخص ماه n ام محاسبه می‌شود.